



شعر دفاع مقدس فراتر از شعار

■ سعید یوسف نیا

اشاره:

شعر دفاع مقدس چگونه شعری است؟ این پرسش، فی‌نفسه پرسش‌های دیگری در خود نهفته دارد، از جمله اینکه شعر چیست؟ دفاع مقدس چگونه دفاعی است؟ چه ویژگی‌های مشترکی میان شعر و دفاع مقدس وجود دارد که هنوز هم پس از گذشت پانزده سال از جنگ، این موضوع در نشریه‌ها و جلسه‌های ادبی طرح می‌شود؟ آیا همه این بحث‌ها تعارفاتی سیاسی است که با سالگرد دفاع مقدس رنگ می‌گیرد و بعد از یک هفته دوباره بی‌رنگ می‌شود؟ و سؤال‌هایی از این دست که بی‌تردید پاسخ‌های گوناگونی دارند و هر پاسخی نیز مقدمه‌ای است برای طرح پرسشی دیگر.

شعر این موجود کهن، پدیده‌اشناخته‌ای است و شاعر در فرهنگ ریشه‌دار ما انسان اهل یقینی است که از عالم شهود فراتر می‌رود و از عالم غیب سخن می‌گوید. شاعر، زبان غیب است و آدمیان را ترغیب و تحریک می‌کند تا از سطوح فریبنده حیات عبور کنند و به اعماق شگفت زندگی راه یابند. از سوی دیگر هشت سال دفاع مقدس به علت خاستگاه دینی و عرفانی آن با اغلب جنگ‌هایی که در این چند دهه روی داده‌اند متفاوت است. در حقیقت دفاع مقدس، دریچه‌ای است که ما را به سمت درک حقیقت غریبی که در صُور مرگ و زندگی، آشکارا پنهان شده است رهنمون می‌شود.

وقتی صحبت از شعر دفاع مقدس به میان می‌آید، شاید این گمان در ذهن اغلب ما شکل بگیرد که این گونه شعر، شعری است که ایثار و ایمان سلحشوران اهل عشق را به تصویر می‌کشد و مؤمنان را تهییج می‌کند تا راه مقدس خود را بدون هیچ شک و شائبه‌ای ادامه دهند. این تعبیر از شعر دفاع مقدس اگرچه ناصواب نیست، اما فقط یک وجه این گونه شعر را نشان می‌دهد و اگر آن را تعمیم دهیم به تنها مصداق عینی آن در جهان اسلام یعنی انتفاضه می‌توانیم اشاره کنیم.

خوشا به تو تا جاودان پر زدن

خوشا با تو این جام آخر زدن

*

اغلب شاعران جوان این مرز و بوم به جای آنکه در پی درک شهادت و اصلی‌ترین انگیزه شهادت‌طلبی باشند و از پنجره تفکر و تحقیق به این معنای شگرف توجه کنند مجذوب احساساتی ناپایدار می‌شوند و وجه رمانتیک دفاع مقدس را با پرداختن به شهیدان و بازماندگان آنها پُررنگ‌تر می‌کنند و حتی به زبان محاوره‌ای متوسل می‌شوند تا خوانندگان آثار خود را تحت تأثیری سطحی و ناپایدار قرار دهند. شاعرانی که از عنصر تفکر بی‌بهره‌اند در مواجهه با دفاع مقدس یا تن به مضامین حماسی می‌دهند یا مضامین رمانتیک را با توسل به تکنیک‌های زبانی می‌پرورند و عرضه می‌کنند، اما آنچه در این میان مغفول می‌ماند و از محدوده درک شاعران قشرین می‌گریزد، شراره‌های تفکری است که از آتش کشف و شهود برمی‌خیزد و می‌تواند شاعر را به ژرفای این مفهوم مقدس رهنمون شود، ژرفایی که تاریک است و جز با چراغ تفکر و ایمان روشن نمی‌شود.

*

شعر از حکیم سنایی به این سو با عرفان پیوندی عمیق یافت و در گذر زمان، این پیوند معنوی با ظهور شاعرانی دل‌آگاه، محکم‌تر شده است. شاعرانی که این میراث بی‌بدیل را پاس می‌دارند و به حقایق آشکار و پنهان جاری در آثار شاعران عارف این مرز و بوم ایمان دارند بی‌تردید در رویارویی با دفاع مقدس، مجذوب وجه عرفانی آن می‌شوند و با عبور از مضامین کلیشه‌ای و شعاری، فضاهای تازه‌تری را جست‌وجو می‌کنند.

شعر دفاع مقدس به اعتقاد من شعری است که همه ویژگی‌های یک شعر کامل را داراست و به ارزش‌های معنوی و مانای دفاع مقدس نیز وفادار است، زیرا شاعر توحیدی، دفاع مقدس را از چارچوب متعارف خود بیرون کشیده و به آن سوی این چارچوب نظر دوخته است. این غزل نمونه چنین شعری است:

بیا تا گل زخم را بو کنیم

و دست تهی را بیا رو کنیم

به شوق پریدن از این خاکدان

نگاهی به بال پرستو کنیم

از این‌های‌های حزین بگذریم

در آینه شوق هوهو کنیم

در آن سوست بی‌سویی ای سوگوار

رها باش تا رو به آن سو کنیم

به سویی که عاشق شدن قصه نیست

وجهی که شاعران وظیفه دارند توجه بیشتری به آن داشته باشند وجه ارزشهای نامیرا و فراعقلانی است. ارزشهایی که به زمان و مکان وابسته نیستند و در هر جا و هر لحظه، نه تنها اصالت خود را از دست نمی‌دهند که بالنده‌تر می‌شوند. اگر از این منظر به شعر دفاع مقدس نگاه کنیم درمی‌یابیم که دفاع مقدس فقط در جنگ خلاصه نمی‌شود و شاعر نیز در این میان وظیفه‌ای ندارد جز اینکه ارزشهای الهی دفاع مقدس را درونی کند و از شعار دادن و فریاد کشیدن موزون و ناموزون بگریزد. دفاع مقدس به اعتقاد شاعرانی که با شعر یگانه شده‌اند خود شعری کامل و اثرگذار است که می‌تواند از انسانی معمولی و غافل، عاشقی مرگ‌آگاه و از جان گذشته بسازد و چنان تأثیری بر او بگذارد که با ایمان به غیب در جست‌وجوی شهادت باشد. یکی از دلایل ماندگاری بحثهای مربوط به شعر دفاع مقدس این است که جنگ انسان و شیطان از نخستین روز آفرینش آدمی تا به امروز ادامه داشته و خواهد داشت و چنین نیست که شمشیر و مسلسل و تانک و سلاحهای سنگین و سبک به این معنای کهن جان داده باشند. مؤمن هماره در نبرد است و شاعران راستینی که همیشه در ستیز با نفس خویش‌اند ارزشهای الهی و آسمانی را در هشت سال دفاع مقدس یافته‌اند و این دوره زمانی را نماد این ستیز ابدی می‌دانند. شاعرانی که از نزدیک آن جنگ نمادین را تجربه کرده‌اند و اکنون با خود و تمنیات خود دست به گریبان‌اند و در سکوت و انزوا می‌ستیزند به خوبی می‌دانند که شهادت‌طلبی و تمنای مرگ، مرگ‌پرستی نیست آن روی سکه عشق به حیاتی جاودانه و بی‌انتهاست.

باور کردن این حقیقت که مرگ پایان کبوتر نیست اعتقاد مشترک شاعران و عاشقان دل‌باخته‌ای است که در روند حیات آگاهانه و مؤمنانه به سوی مرگ می‌روند و برای حفظ ارزشهایی که همیشه برای عقل به صورت علامت سؤال‌ی بزرگ و پررنگ خودنمایی می‌کند، تن به هجرتی بی‌بازگشت می‌سپارند، هجرتی که در فرهنگ دینی و عرفانی ما شهادت نامیده می‌شود. شهادت یعنی شاهد غیب بودن، شاهد بی‌کرانگی بودن و ایمان داشتن به حقیقتی فراتر از خاک و افلاک! به این ترتیب اگر بپذیریم که دفاع مقدس در چارچوب زمان و مکان نمی‌گنجد و واقعیتی ریشه‌دار است می‌توانیم این شعر را شعر دفاع مقدس بنامیم، زیرا در یک نقطه مرکزی با دفاع مقدس تلاقی می‌کند و آن نقطه، تمنای شهادت و جاودانگی است:

بیا تا بمیریم مژدن خوش است
در این آینه جان سپردن خوش است
بیا تا به سیر جنون تن دهیم
به این جاده غرق خون تن دهیم
خوشا با تو مژدن، خوشا بوی کوچ
خوشا با تو رفتن به جادوی کوچ
بیا تا به عاشق شدن رو کنیم
طلسم غم و درد را بشکنیم
به لطف دل خویش جادو کنیم
خوش آن روز آن روز بی‌انتهای
که مستانه سر در سر او کنیم
*

اگر ما هدف از زندگی را کامل شدن و بر گذشتن از زوال و رسیدن به کمال مطلق و جاودانگی بدانیم آن‌گاه شعر دفاع مقدس در هیأتی یگانه و مؤثر رخ می‌نماید و ما را با جوهر پنهان زندگی آشنا می‌کند. برخی معتقدند که شعر دفاع مقدس با گذر ناگزیر زمان در جهات مختلفی حرکت کرده و اغلب در شعر انتظار نمود یافته و شاعرانی که هنوز به "صلح اضداد" امیدوارند جز انتظار راه دیگری در پیش روی خود نمی‌بینند. انتظار به جنگی اشارت دارد که در نهایت به صلح می‌انجامد و انسان را از چنگ نفس فردی و جمعی رها می‌کند. شعر انتظار صورت دگرگون‌شده شعر دفاع مقدس است که همه آن ارزشها را در خود نهفته دارد. سخن آخر اینکه، متأسفانه سرودن شعر دفاع مقدس به عنوان حرفه و تخصص برخی شاعران نام‌آشنا درآمده و آنان نیز تعبیر فردی خود از شعر دفاع مقدس را با توسل به رسانه‌ها تعمیم می‌دهند و برآند تا با بافتن و یافتن فرمهای تازه، همان مضامین رمانتیک را عرضه کنند و به آنچه در نظر دارند دست یابند. اگر خاستگاه ایمانی و عرفانی شعر دفاع مقدس به گونه‌ای عمیق درک شود و شاعر صمیمانه با ارزشهای برآمده از دل این ادراک درآمیزد، دیگر نیازی به تبلیغات و هیاهو و ارائه شعرهایی با فرمهای تازه نیست. آنچه ما برای فهم هرچه بیشتر شعر و دفاع مقدس به آن نیاز داریم عشق است و "عشق اگر عشق باشد، زمان حرف ابلهانه‌ای است!"